

چکیده

رواج گفتمان نرم در مطالعات سیاسی و امنیتی در دهه پایانی قرن بیستم، به مثابه گشایش افق جدیدی در فهم و تبیین مسائل اجتماعی و راهبردی بوده است. از دال این گفتمان مفاهیم بسیاری نظیر انقلاب نرم، قدرت نرم، امنیت نرم، تهدید نرم، جنگ نرم ساخته شد.

انقلاب نرم، واژه‌ای متناقض به لحاظ ساختار مفهومی می‌باشد، زیرا از یک طرف به معنای دگرگونی و تحول اساسی و عمدتاً خشونت‌بار، در ساختار فکری، سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه است، از طرف دیگر واژه نرم بیانگر انتقال مسالمت‌آمیز قدرت بدون ایجاد تغییرات اساسی در بافتهای مختلف جامعه می‌باشد. بر این اساس این تحول نوین همچنانکه که از نام آن پیداست، بر رویکردی نرم و شیوه‌ای آرام برای تغییر حکومتها و حکمرانان تأکید دارد و از این رو راهبرد نوینی در عرصه تغییر رژیم‌ها به شمار می‌رود، که خود مبین آنست که ماهیت تغییرات سیاسی به سرعت در حال دگرگونی است و بسیاری از معیارهای گذشته ارزش مفهومی و نظری خود را از دست داده است.

جنگ نرم اشاره به فرآیند تغییر سیاسی دارد که، اهداف آن دو سر طیف تغییر در اعتقادات و باورها و تغییر در ساختارهای نظام سیاسی را در بر می‌گیرد. تغییر ساختارهای نظام سیاسی همان است که از آن به عنوان انقلاب نرم یاد می‌شود.

انقلاب نرم علی‌رغم تفاوتهایی که با انقلابهای نوع کلاسیک دارد، نوع جدیدی از انقلاب است که بازیگران آن جنبشهای نوین اجتماعی می‌باشند. با این تعبیر می‌توان انقلاب نرم را فرآیند تغییر ساختارهای حکومت دانست که بر پایه جنبش‌های نوین اجتماعی شکل می‌گیرد.

در این پژوهش، برای اثبات این ادعا لازم است بین سه مؤلفه انقلاب نرم، یعنی قدرت نرم، امنیت نرم و تهدید نرم ارتباط معنایی برقرار نمود و انقلاب نرم را بر پایه این الگوی ارتباطی تبیین نمود. دست‌یابی به این مهم هدف غایی انجام این پژوهش است.

واژگان کلیدی: انقلاب نرم، جنگ نرم، قدرت نرم، تهدید نرم، امنیت نرم

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

بخش اول؛ کلیات

۶	مقدمه
۶	طرح مسأله
۷	طرح سؤالات اصلی و فرعی تحقیق
۸	فرضیه تحقیق
۸	تعریف مفاهیم
۹	متغیرهای تحقیق
۹	سوابق پژوهشی موضوع
۱۱	بیان روش و مراحل انجام کار تحقیق
۱۱	موانع و مشکلات
۱۱	سازماندهی پژوهش
۱۲	نتایج علمی قابل پیش بینی
۱۳	فصل اول؛ دیدگاه های نظری انقلاب نرم
۱۳	۱) انقلاب نرم به مثابه انقلاب
۱۳	۱-۱) انقلاب نرم به مثابه انقلابی در ادبیات انقلابهای کلاسیک
۱۸	۱-۲) انقلاب نرم به مثابه انقلاب غیرخشونت بار
۲۴	۲) انقلاب نرم به مثابه جلوه ای از مداخلات سیاسی و امنیتی قدرتهای بزرگ
۲۵	۲-۱) انقلاب نرم به مثابه فرآیند دولت ملت سازی
۲۷	۲-۲) انقلاب نرم به مثابه فرآیند دموکراسی سازی
۳۱	۲-۳) انقلاب نرم به مثابه براندازی نرم
۳۵	۳) انقلاب نرم به مثابه سرایت انقلابهای انتخاباتی
۳۸	۴) جنگ نرم
۴۲	۵) نتیجه گیری فصل

بخش دوم؛ بررسی مؤلفه های انقلاب نرم

۴۴	فصل دوم؛ قدرت نرم
۴۵	۱) ماهیت قدرت نرم
۴۵	۱-۱) ساختار قدرت
۴۶	۱-۲) شیوه های اعمال قدرت
۵۳	۱-۳) سازمان قدرت
۵۵	۱-۴) کار ویژه قدرت
۵۸	۱-۵) منابع قدرت
۶۷	۲) مدیریت قدرت نرم
۶۹	۳) فرآیند تولید قدرت نرم
۷۱	۴) ویژگی های قدرت نرم
۷۵	۵) قدرت نرم از منظر ژوزف نای
۷۷	۶) تطبیق عناصر نرم افزاری قدرت بر اندیشه میشل فوکو

۸۱.....	۷) تطبیق عناصر نرم افزاری قدرت بر اندیشه امام خمینی (ره)
۸۴.....	۸) قدرت نرم در مکتب اسلام و غرب.....
۸۵.....	۸-۱) ماهیت قدرت نرم.....
۸۷.....	۸-۲) هدف از اعمال قدرت نرم.....
۹۰.....	۸-۳) منابع قدرت نرم.....
۹۱.....	۹) نتیجه گیری فصل.....
۹۴.....	فصل سوم؛ تهدید نرم.....
۹۴.....	۱) معنا و مفهوم تهدید نرم.....
۹۶.....	۲) شناخت شناسی تهدید نرم.....
۹۸.....	۳) ماهیت شناسی و معرفت شناسی تهدید نرم.....
۱۰۰.....	۴) گونه شناسی تهدید نرم.....
۱۰۰.....	۴-۱) تهدید نرم بر اساس هدف یا موضوع.....
۱۰۰.....	۴-۲) تهدید نرم بر اساس ابزار.....
۱۰۱.....	۴-۳) تهدید نرم بر اساس روش.....
۱۰۱.....	۴-۴) تهدید نرم بر اساس چهارچوب فضایی.....
۱۰۲.....	۵) تهدید نرم، سخت، نیمه سخت.....
۱۰۶.....	۶) ویژگی های تهدید نرم.....
۱۰۹.....	۷) ابعاد تهدید نرم.....
۱۱۰.....	۷-۱) تهدید نرم در حوزه سیاسی.....
۱۱۱.....	۷-۲) تهدید نرم در حوزه امنیتی و دفاعی.....
۱۱۱.....	۷-۳) تهدید نرم در حوزه فرهنگی.....
۱۱۳.....	۷-۴) تهدید نرم در حوزه اجتماعی.....
۱۱۴.....	۷-۵) تهدید نرم در حوزه اقتصادی.....
۱۱۵.....	۸) مولد تهدید نرم.....
۱۱۶.....	۹) مجاری تهدید نرم.....
۱۱۶.....	۹-۱) ادراک.....
۱۱۷.....	۹-۲) احساس.....
۱۱۷.....	۱۰) منابع تهدید نرم.....
۱۱۸.....	۱۱) آماج های تهدید نرم.....
۱۲۰.....	۱۲) روش های اعمال تهدید نرم.....
۱۲۰.....	۱۳-۱) روش مبتنی بر شبکه.....
۱۲۰.....	۱۳-۲) روش های گفتاری.....
۱۲۲.....	۱۳-۳) روش های رفتاری.....
۱۲۳.....	۱۳) هدف از کاربرد تهدید نرم.....
۱۲۵.....	۱۴) طراحی اعمال تهدید نرم.....
۱۲۶.....	۱۵) تهدید نرم در کشورهای آسیب پذیر.....
۱۲۷.....	۱۶) نتیجه گیری فصل.....
۱۲۹.....	فصل چهارم؛ امنیت نرم.....
۱۳۰.....	۱) مفهوم امنیت نرم.....

۱۳۲	سه تعبیر از امنیت نرم.....
۱۳۳	سه رویکرد در باب امنیت نرم
۱۳۳	۳-۱) رویکرد منبع محور.....
۱۳۳	۳-۲) رویکرد ابزار - ابزار معطوف به ایده محور.....
۱۳۳	۳-۳) رویکرد هدف محور.....
۱۳۴	۴) ابزار امنیت نرم
۱۳۵	۵) فضای امنیت نرم.....
۱۳۵	۶) اهداف امنیت نرم.....
۱۳۶	۷) ویژگی ها و مزیت‌های امنیت نرم
۱۳۸	۸) پنج وضعیت امنیت نرم.....
۱۳۸	۹) دلایل گذر از سخت افزارگرایی به نرم افزارگرایی در امنیت.....
۱۳۸	۹-۱) تضعیف پارادایم واقع گرایی در سیاست.....
۱۳۹	۹-۲) تحول در مفهوم امنیت.....
۱۴۴	۹-۳) جهانی شدن و پیامد آن برای امنیت.....
۱۴۵	۹-۴) ظهور عصر اطلاعات و انقلاب ارتباطاتی.....
۱۴۶	۹-۵) گسترش ارزش های دموکراتیک در جهان.....
۱۴۸	۹-۶) گسترش جنبش های نوین اجتماعی.....
۱۴۹	۱۰) رویکردهای تئوریک نرم افزار گرایانه به امنیت در کشورهای جنوب.....
۱۵۰	۱۰-۱) یزید سابق؛ دیدگاه توسعه گرا به امنیت در جنوب
۱۵۱	۱۰-۲) محمد ایوب؛ دیدگاه امنیتی مبتنی بر دولت سازی در جنوب.....
۱۵۲	۱۰-۳) باری بوزان، دیدگاه فراخ نگر به ماهیت دولت و محیط امنیتی جنوب.....
۱۵۵	۱۰-۴) ادوارد آذر و چونگ این مون، دیدگاه نرم افزاری امنیت.....
۱۵۸	۱۱) مرجع امنیت نرم
۱۶۲	۱۲) ابعاد امنیت نرم.....
۱۶۳	۱۳) حوزه های امنیت نرم.....

بخش سوم؛ ارائه الگوهای پژوهش

۱۶۷	فصل پنجم؛ الگوی ارتباطی سه مؤلفه قدرت نرم، تهدید نرم، امنیت نرم.....
۱۶۸	۱) سرمایه اجتماعی.....
۱۷۰	۱-۱) مؤلفه های سرمایه اجتماعی
۱۷۴	۱-۲) سرمایه اجتماعی؛ منبع امنیت نرم.....
۱۷۵	۱-۳) سرمایه اجتماعی؛ منبع قدرت نرم.....
۱۷۷	۱-۴) مشارکت سیاسی شاخص سرمایه اجتماعی
۱۷۸	۲) مشروعیت
۱۸۰	۲-۱) مشروعیت؛ منبع قدرت نرم.....
۱۸۰	۲-۲) مشارکت سیاسی شاخص مشروعیت.....
۱۸۱	۲-۳) انتخابات شاخص مشارکت سیاسی.....
۱۸۴	۲-۴) مشروعیت؛ منبع امنیت نرم.....
۱۸۴	۳) تأثیر کارکردهای انتخابات بر مؤلفه های سرمایه اجتماعی
۱۸۵	۳-۱) انتخابات و ارتباطات سیاسی.....

۱۸۶	انتخابات و هنجارها..... (۳-۲)
۱۸۸	انتخابات و اعتماد..... (۳-۳)
۱۹۱	بی ثباتی سیاسی به مثابه تهدید نرم..... (۴)
۱۹۳	گونه های بی ثباتی سیاسی..... (۴-۱)
۱۹۴	عوامل بی ثباتی سیاسی..... (۴-۲)
۱۹۵	ارائه الگوی ارتباطی سه مؤلفه قدرت نرم، تهدید نرم، امنیت نرم..... (۵)
۲۰۳	فصل ششم؛ الگوی فرآیندی انقلاب نرم..... (۲۰۳)
۲۰۳	۱) ابزارها و شیوه عمل اهداف جنگ نرم..... (۲۰۳)
۲۰۵	۲) جنگ روانی..... (۲۰۵)
۲۰۷	۳) مراحل سه گانه اهداف جنگ نرم..... (۲۰۷)
۲۰۷	۳-۱) گام اول؛ تخریب منابع قدرت نرم و امنیت نرم..... (۲۰۷)
۲۰۸	۳-۱-۱) مشروعیت زدایی سیاسی..... (۲۰۸)
۲۱۱	۳-۱-۲) شکل گیری سرمایه اجتماعی تأمین کننده اهداف مهاجمین..... (۲۱۱)
۲۲۲	۳-۲) گام دوم؛ تشکیل جنبش اجتماعی..... (۲۲۲)
۲۲۵	۳-۲-۱) رابطه بین سرمایه اجتماعی و جنبش اجتماعی..... (۲۲۵)
۲۲۸	۳-۳) گام سوم؛ بسیج اعتراضات مردمی..... (۲۲۸)
۲۲۹	۳-۳-۱) جنبش های نوین اجتماعی و بهره گیری از ابزار رسانه در جهت بسیج اعتراضات مردمی..... (۲۲۹)
۲۳۳	۳-۳-۲) سازماندهی اعتراضات..... (۲۳۳)
۲۳۵	۴) انقلاب نرم..... (۲۳۵)
۲۳۶	۴-۱) ویژگی های انقلاب نرم..... (۲۳۶)
۲۳۶	۴-۱-۱) مبارزات مسالمت آمیز..... (۲۳۶)
۲۴۱	۴-۱-۲) سازماندهی شبکه ای و مدیریت رسانه ای..... (۲۴۱)
۲۴۵	۴-۱-۴) استفاده از عملیات روانی..... (۲۴۵)
۲۴۸	۵) الگوی فرآیندی انقلاب نرم..... (۲۴۸)
۲۵۱	نتیجه گیری..... (۲۵۱)
۲۵۴	فهرست منابع..... (۲۵۴)
۲۷۵	abstract..... (۲۷۵)

مقدمه

طرح مسأله

انقلاب نرم^۱ عنوان دگرگونی جدیدی در عرصه سیاسی و اجتماعی است که در دهه پایانی قرن بیستم، از کشورهای اروپای شرقی همچون چکسلواکی و رومانی آغاز و در دهه نخست قرن بیست و یکم به جمهوری های تازه استقلال یافته از شوروی سابق، همچون گرجستان و قرقیزستان و در مراحل بعدی به برخی کشورهای منطقه خاورمیانه تسری یافته است. عده ای از جامعه شناسان سیاسی انقلاب نرم را شیوه نوینی از براندازی حکومتها در عصر مدرن می دانند که در کشورهای جهان سوم صورت پذیرفته و بر نقاط ضعف این نوع کشورها تمرکز دارد.

به موازات نوپدید بودن این واژه در ادبیات علم سیاست، نظریه پردازی پیرامون آن، مراحل جنینی خود را گذرانده و تا کنون هیچ نظریه جامع و مانعی که دارای چهارچوبی مستدل و قابل اطمینان برای تبیین این پدیده باشد، ارائه نگشته است. با وقوع انقلاب نرم، تا کنون برداشتها و دیدگاه های گوناگونی درباره آن ارائه شده است. این دیدگاه ها را می توان به چهار دسته، مداخله سیاسی و امنیتی قدرتهای بزرگ (متقی، ۱۳۸۸)، سرایت انقلابهای انتخاباتی (بونس، ویلچک، ۱۳۸۹)، انقلاب غیر خشونت بار (شارپ، ۱۳۸۹) و جنگ نرم (رنجبران، ۱۳۸۹) تقسیم نمود. واکاوی انقلاب نرم از رهگذار مطالعه در هر یک از دیدگاه های فوق می تواند آشکار کننده ی بخشهای ناپیدای این مفهوم باشد اما به نظر می رسد جنگ نرم، نظریه مناسب تحلیل الگوی انقلاب نرم باشد.

برخی این انقلابها را، نتیجه مداخله سیاسی و امنیتی کشورهای ابر قدرت در امور داخلی کشورها دانسته اند. این دیدگاه معتقد است که بازیگران خارجی و به خصوص آمریکا، توانسته اند سکان هدایت کشورها را به سمت انقلاب بر اساس خواسته و اهداف خود به دست گیرند و عامل اصلی وقوع انقلاب باشند. نحوه این مداخله به اشکال گوناگونی چون دموکراسی سازی (افتخاری، ۱۳۸۷ الف)، دولت- ملت سازی (سلیمانی پورلک، ۱۳۸۹) و براندازی نرم (نائینی، ۱۳۷۸ الف) در کشورهای جهان سوم قابل رویت می باشد.

در دیدگاهی دیگر انقلاب نرم، انقلاب غیر خشونت بار تعریف شده. به این معنا که روابط غیر خشونت بار جایگزین جنبه هایی از خشونت نظیر سرکوب و جنگ می شود، تا بتوانند نتایج مثبتی را در جهت انجام تغییرات در ساختارهای حکومتی بگیرند.

دیدگاهی دیگر، انقلاب نرم را الگوی سرایت انقلابهای انتخاباتی می داند. منظور از انقلابهای انتخاباتی؛ تلاش رهبران اپوزسیون و شهروندان، برای استفاده از انتخابات و گاهی اوقات در همراهی با اعتراضات در جهت شکست دادن دولتمردان غیر لیبرال یا جانشینان مورد تأیید آنها و همینطور به قدرت رساندن اپوزسیونهای لیبرال و تغییر دادن رژیم های خود با جایگزینی دموکراتیک می باشد.

جنگ نرم^۱ به مثابه فرآیند منازعات پنهان از طریق پیوستگی بین سه عنصر قدرت، امنیت و تهدید در گفتمان نرم افزاری به منظور وا داشتن غیر مستقیم مخاطب به اطاعت می باشد. اهداف جنگ نرم را می توان در دو سر طیف معطوف به تغییر افکار تا تغییر ساختار دانست. هدف غایی جنگ نرم که از آن به عنوان تغییر ساختار یاد می شود همان است که به آن انقلاب نرم می گوئیم.

از آنجا که جنگ نرم می تواند بین سه مؤلفه اصلی انقلاب نرم یعنی؛ قدرت نرم^۲، تهدید نرم^۳ و امنیت نرم^۴ ارتباط برقرار کند به نظر می رسد می تواند نظریه مناسب تحلیل انقلاب نرم باشد. به عبارتی مهم ترین هدف انجام این پژوهش آشنایی با فرآیند ی است که منجر به جنگ نرم خواهد شد و نیز شناخت تحولات منتج از جنگ نرم به منظور تبدیل آن به انقلاب نرم می باشد.

طرح سؤال اصلی و سئوالات فرعی تحقیق

سؤال اصلی:

الگوی مناسب تحلیل امنیتی از انقلاب نرم چیست؟

1 Soft war

2 Soft power

3 Soft threat

4 Soft security

سئوالات فرعی

دیدگاه های ارائه شده در باب تحلیل انقلاب نرم کدامند؟

مؤلفه های تشکیل دهنده انقلاب نرم کدامند؟

الگوی ارتباطی بین مؤلفه های سازنده انقلاب نرم کدامند؟

چه ارتباطی بین انقلاب نرم و الگوی فوق وجود دارد؟

فرضیه تحقیق

الگوی پیشنهادی در خصوص تحلیل انقلاب نرم، از ترکیب همزمان سه مؤلفه (قدرت، تهدید، امنیت) در گفتمان نرم افزاری و کاربست آنها در جوامع آسیب پذیر می باشد.

تعریف مفاهیم

قدرت نرم: توانایی شکل دادن به اولویتها و ترجیحات دیگران با تکیه بر اقناع سازی و به کارگیری عنصر جذابیت. (نای، ۱۳۸۹ الف: ۴۶-۴۳)

تهدید نرم: مجموعه اقداماتی که دگرگونی هویت فرهنگی و الگوهی رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی را هدف قرار داده است. (نائینی، ۱۳۸۷: ۱۹۸)

امنیت نرم: وضعیتی که در آن نبود تهدید شرط لازم تحقق امنیت و عنصر رضایت عامل اصلی تحقق امنیت محسوب می شود. (افتخاری، ۱۳۸۰ ب، ۲۹-۱۴)

جنگ نرم: فرآیند منازعات پنهان، از طریق پیوستگی بین سه عنصر قدرت، امنیت و تهدید در گفتمان نرم افزاری می باشد.

انقلاب نرم: فرآیند تغییر ساختارهای حکومت که بر پایه جنبش های نوین اجتماعی شکل می گیرد.

سرمایه اجتماعی: ویژگی هایی از سازمان اجتماعی چون، اعتماد، هنجارها و شبکه ها که می توانند کارائی جامعه را از طریق تسهیل کنش های تعاونی بهبود بخشند (پوتنام به نقل از اعتصامی، ۱۳۸۷: ۵۰۸).

مشروعیت: عبارتست از شناسایی حق حکمرانی. بنابراین مشروعیت پردازي تلاشی است برای پاسخ به مسأله بنیادین سیاست؛ یعنی توجیه همزمان قدرت و اطاعت سیاسی. (پورسعید، ۱۳۸۳: ۳۱۰)

مبارزات عاری از خشونت: اقدام بدون خشونت روشی است برای اعتراض، مقاومت و مداخله بدون استفاده از خشونت فیزیکی. (شارپ، ۱۳۸۶: ۳۵)

متغیرهای پژوهش

در این پژوهش سرمایه اجتماعی و مشروعیت متغیرهای مستقل می باشند. قدرت نرم، تهدید نرم و امنیت نرم، متغیرهای میانی پژوهش در نظر گرفته شده اند. انقلاب نرم متغیر وابسته می باشند.

سوابق پژوهشی موضوع

مجموعه آثاری که در ارتباط با انقلاب نرم به رشته تحریر در آمده اند، در یک دسته بندی کلی به دو دسته تقسیم می شوند؛ آثاری با ماهیت توصیفی که عمدتاً به دنبال توصیف تحولات و رخدادها بوده اند. در این زمینه می توان به آثاری همچون کتاب افسانه انقلابهای رنگی (کولایی، ۱۳۸۴) و کتاب جنگ نرم ۵؛ براندازی نرم در کشورهای مدل، (مؤسسه بین المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۴) اشاره کرد. دسته دوم آثاری با ماهیت تحلیلی هستند، که هرکدام به نوعی در پی ریشه یابی وقوع این تحولات هستند. در این زمینه می توان به کتبی همچون، انقلاب رنگی و جمهوری اسلامی ایران (پور سعید، ۱۳۸۷) و کتاب انقلابهای رنگی و انقلاب اسلامی ایران (بهمن، ۱۳۸۸) اشاره کرد.

اما همانطور که در طرح مسئله عنوان شد، این پژوهش به دنبال به کارگیری سه نظریه قدرت نرم، تهدید نرم، امنیت نرم، جهت دست یابی به الگوی مناسب در تحلیل انقلاب نرم می باشد. با مطالعه ادبیات بحث می توان به پژوهشهای صورت گرفته پیرامون این نظریات به موارد ذیل اشاره کرد:

قدرت نرم، نظریه ای است که مبدع آن جوزف نای، استاد دانشگاه هاروارد می باشد. نای با نگارش سلسله مقالات و کتابهایی همچون قدرت نرم (نای، ب ۱۳۸۷) قدرت و رهبری هوشمند (نای، ج ۱۳۸۷) قدرت در عصر اطلاعات: از

واقع گرایی تا جهانی شدن (نای، الف، ۱۳۸۷) به دنبال ارائه نظریه ای جدید از قدرت بوده است. وی با بررسی فراز و فرود میزان قدرت ایالات متحده در جهان به خصوص پس از حمله آمریکا به عراق با ارائه قدرت نرم در مفهوم توانایی شکل دهی به ترجیحات دیگران، مهمترین منبع این قدرت را، ارزشها و هنجارها معرفی می کند. به این ترتیب نای با گذر از سخت افزار گرایی به نرم افزار گرایی؛ تسخیر اذهان و قلوب مردم به واسطه ابزارها یی همچون ارتباطات و رسانه و با تکیه بر منابعی همچون، ارزشها، فرهنگ، ایدئولوژی و ... گشاینده دریچه نوین مطالعات در عرصه قدرت می باشد.

علاوه بر آثار نای، کتب دیگری همچون قدرت نرم در استراتژی خاورمیانه ای آمریکا (ماه پیشانیان، ۱۳۸۹) و سلسله کتب قدرت نرم منتشر شده از سوی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) به رشته تحریر در آمده اند، که هر کدام به نوعی ابعاد گوناگون این نظریه را مورد بررسی قرار داده اند.

تهدید نرم بر خلاف قدرت نرم، بیش از آنکه مفهومی وارداتی باشد، بر اساس ضرورت‌های کشورهای کشورمان و بیشتر در ادبیات استراتژیک آن ساخته و پرداخته شده است. در این زمینه کتاب تهدیدات امنیت ملی (عبداله خانی، ۱۳۸۶) و کتاب تهدیدات قدرت ملی (گروه مطالعات امنیتی دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۷) به طور ضمنی و کتاب "تهدید نرم و راهبردهای مقابله (گروه مطالعات امنیتی دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۸) به طور خاص به بررسی تهدید نرم و شیوه های اعمال آن، شاخص ها و ابعاد آن در حوزه های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و جایگاه آن در نظریه های دفاعی و امنیتی پرداخته اند.

درباره امنیت نرم عمده ترین منبع موجود، مجموعه مقالات دو جلدی امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹) متعلق به دانشگاه امام هادی است. علاوه بر آن مجموعه مقالاتی همچون، چیستی معنا و مفهوم امنیت نرم؛ با مروری بر وجه نرم امنیت جمهوری اسلامی ایران (غرایاق زندی، ۱۳۸۸) و مقاله امنیت نرم و چرایی اهمیت آن (یزدان فام، ۱۳۸۸) می توان به چیستی و ابعاد و وجوه امنیت نرم پی برد. در این آثار با اشاره به علل و عوامل موجهه آفرینش واژه امنیت نرم؛ ابعاد، اهداف، ابزار و نتایج آن تشریح گردیده است. در این رابطه در کتاب امنیت ملی در جهان سوم (ادواد ای آزر، چونگ این مون، ۱۳۷۹) به طور گذرا به امنیت نرم و منابع آن نیز اشاره شده است.

اگرچه در باب سه نظریه فوق الذکر می توان آثار متعددی را یافت، اما درباره نحوه ارتباط این سه نظریه با یکدیگر و استخراج الگویی که توضیح دهنده پدیده انقلاب نرم باشد هیچ گونه اثر خاصی وجود ندارد. این پژوهش بر آنست تا با بهره گیری از منابع موجود رفع کننده این نقیصه باشد.

بیان روش و مراحل انجام کار تحقیق

در این پژوهش روش تجزیه و تحلیلی مطالب توصیفی - تحلیلی می باشد و جمع آوری مطالب از طریق تمرکز بر روش اسنادی و کتابخانه ای است. جهت جمع آوری اطلاعات لازم بعد از شناسایی و تهیه منابع به فیش برداری و جمع آوری مطالب پرداخته ایم. منابع مورد استفاده در این پژوهش کتب، مقالات، پایان نامه و سایر اطلاعات قابل دسترسی می باشد.

موانع و مشکلات

انجام این پژوهش با دو مشکل عمده مواجه بود. اول آنکه انقلاب نرم پدیده ای نوپیدا در عرصه تحولات سیاسی محسوب می شود که با هیچ یک از نظریه های مرسوم علمی قابل تحلیل نمی باشد. آنچه را نظریه پردازان در تحلیل این پدیده ارائه کرده اند بیش از آنکه نظریه باشد، اظهار نظرانی است که دارای چهارچوب علمی متقن نیست.

دوم آنکه، واژگانی چون جنگ نرم و تهدید نرم، در حکم مفاهیمی ساخته و پرداخته شده بر حسب ضرورت های کشور خودمان می باشد که سابقه آن حداکثر به نیم دهه قبل باز می گردد. این به معنای آنست که مطالب ارائه شده بیشتر حالتی ژورنالیستی و غیر علمی، داشته که قابلیت استناد کردن را ندارند. پژوهش هایی هم که به صورت علمی انجام شده اند اولاً اندک، ثانیاً غیر قابل دسترسی هستند، که فرآیند دست یابی به آنها پیچیده و نیازمند انجام نامه نگاری های فراوان و بعضاً بی نتیجه می باشد.

سازماندهی پژوهش

این پژوهش در سه بخش و شش فصل بدین شرح سازماندهی شده است. بخش اول: با عنوان کلیات که خود شامل دو قسمت مقدمه (ارائه طرح پژوهش) و فصل اول با عنوان رهیافتهای نظری درباب انقلاب نرم می باشد. در این فصل چهار دیدگاه (۱) انقلاب نرم به مثابه جلوه ای از مداخلات سیاسی و امنیتی قدرتهای بزرگ (۲) انقلاب نرم به مثابه سرایت انقلاب های انتخاباتی (۳) انقلاب نرم به مثابه انقلاب (۴) جنگ نرم مورد بررسی قرار خواهند گرفت. که از میان این چهار دیدگاه، جنگ نرم به عنوان نظریه مناسب تحلیل انقلاب نرم مطرح نظر قرار خواهد گرفت.

بخش دوم شامل سه فصل است. قدرت نرم، تهدید نرم و امنیت نرم به ترتیب عناوین فصول دوم تا چهارم می باشند. که در هر یک از این سه فصل به ارائه تعاریف، ماهیت، ویژگی ها، ابزار و شیوه های عمل این سه مؤلفه پرداخته خواهد شد.

بخش سوم شامل دو فصل و نتیجه گیری می باشد. فصل پنجم با عنوان الگوی ارتباطی سه مؤلفه قدرت، تهدید و امنیت در گفتمان نرم افزاری و فصل ششم با عنوان الگوی فرآیندی انقلاب نرم. عناوین فصول پایانی از بخش سوم می باشند. که در فصل پنجم سه مؤلفه سازنده انقلاب نرم، مفاهیم همبسته ای تلقی می شوند که دارای اشتراکاتی از جمله اشتراک در منابع هستند. سرمایه اجتماعی و مشروعیت از جمله منابع مهم این مؤلفه ها می باشند که در حکم حلقه ارتباطی این سه مؤلفه محسوب خواهند شد. و در نهایت در فصل ششم فرآیند جنگ نرم در سه گام تشکیل سرمایه اجتماعی، تشکیل جنبش اجتماعی و بسیج اعتراضات مردمی طراحی می شود که منطبق با الگوی معرفی شده در فصل قبل می باشد. در این فصل انقلاب نرم، هدف غایی این تحولات معرفی خواهد شد.

نتایج علمی قابل پیش بینی از تحقیق

تا قبل از انجام این پژوهش در آثار متعدد صاحب نظران، از مؤلفه های سه گانه تشکیل دهنده ی انقلاب نرم یعنی (قدرت، تهدید و امنیت) نرم به شکلی توصیفی و مجزا سخن به میان آمده است. اما در خصوص نحوه ارتباط این مفاهیم با یکدیگر پژوهشی صورت نگرفته از این رو پیش بینی می شود در پایان این پژوهش بتوان به اهداف سه گانه زیر دست یافت

۱- شناخت نظریه های مرتبط با انقلاب نرم

۲- ارائه الگوی ارتباطی از سه مؤلفه قدرت، امنیت و تهدید نرم

۳- ارائه الگوی تحلیل امنیتی از انقلاب نرم

فصل اول: دیدگاه های نظری انقلاب نرم

در رابطه با انقلابهای نرم، دیدگاههای مختلفی از سوی نظریه پردازان مطرح شده است که از میان آنها چهار مورد مهم تر از سایر موارد می باشد که به اختصار به بررسی آنها می پردازیم.

۱. انقلاب نرم به مثابه انقلاب

در میان تلاش هایی که به منظور تحلیل و تبیین انقلابهای نرم صورت گرفته، همواره تلاش جهت برقراری نسبت میان آنها، و نظریه های کلاسیک انقلاب، یکی از شیوه های متداول بوده است. با این حال انقلاب های نرم تفاوتی عمده ای با انقلابهای کلاسیک و نظریه های مطرح شده در باب آنها دارند. با این حال دو دیدگاه اصلی درباره انقلاب نرم شکل گرفته است. برخی با اشاره به تفاوتی میان انقلابهای نرم و انقلاب های کلاسیک این نوع پدیده ها را در ذجرگه ی انقلاب نمی دانند. برخی دیگر این تحولات را انقلاب غیر خشونت باری می دانند که شیوه عمل آنها از انقلابهای کلاسیک متفاوت است. در اینجا به اختصار به برخی دیدگاه های آنها می پردازیم.

۱-۱. انقلاب نرم به مثابه انقلابی در ادبیات انقلابهای کلاسیک

به طور کلی از دیر باز تا کنون تئوری های گوناگون در باب تبیین و تحلیل انقلابها، از سوی فیلسوفان و نظریه پردازان سیاسی مطرح شده است. کثرت و تنوع نظریه ها به حدی است که، حتی می توان تعداد آنها را بیشتر از انقلابهای رخ داده در تاریخ تمدن بشر محسوب نمود.

پس از انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۹۷۸ و شعار معروف آن یعنی "برابری، برادری و آزادی" تعریف ماهوی و نوع نگرش به انقلابها نیز دچار تحول و دگرگونی شد. در واقع از این زمان به بعد، انقلاب وجه منفی خود را که فتنه، آشوب، هرج و مرج و نا امنی بود، از دست داد. و ضمن برخورداری از وجه ارزشی مثبت، به عنوان مدل یا الگویی آرمانی و رهایی بخش برای سایر جوامع نیز مطرح شد. این امر علاوه بر آنکه به صورت الگویی برای جنبش های آزادیخواهانه درآمد، به اختلاف نظر میان محققان و اندیشمندان جامعه شناسی و علم سیاست نیز دامن زد. به همین سبب اغلب نظریه پردازانی که پدیده ی انقلاب را مورد ملاحظه قرار داده اند، در مورد ماهیت آن دچار اختلاف می باشند و همین امر به ارائه تعاریف گوناگون و متعدد از انقلاب، نحوه ی وقوع و پیامدهای آن منجر شده است. (بهمن، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۴)

با استناد به تئوریهای انقلاب (علی رغم تعدد و تنوع نظری آنها) نمی توان به تعریفی مشخص از انقلاب دست یافت. درک انقلابها، ریشه های آنان، فرآیندها و پیامدها نیز پس از هر موج تغییر در ساختار سیاسی جهان، مورد بازبینی قرار می گیرد. در نتیجه تا اواخر قرن ۲۰، چهار نسل از تئوری انقلابی وجود داشت. هر نسل نیز تفسیر خاص خود در تعریف انقلاب را داشت. مکتب تطبیقی در زمینه تاریخ طبیعی انقلاب ها به عنوان نخستین نسل از تئوری انقلابی شناخته می شود. این مکتب تعریفی افراطی از انقلاب دارد، به گونه ای که انقلاب، نقطه عطفی است که بیانگر عصری جدید است. یا برای همیشه به سوء استفاده رژیم قدیم خاتمه داده یا شکافی را میان شرایط قدیم با شرایط جدید ایجاد می کند. (برینتون به نقل از ماه پیشانیان، ۱۳۸۸: ۵۶)

نسل دوم با شباهت به تاریخ طبیعی مدرنیزاسیون، کارکردگرایی ساختاری را بخشی از تعریف خود از انقلاب می داند. با این حال، نمایندگان نسل دوم انقلاب را باید حالتی میانه روانه تر توصیف کرد. آنان انقلاب را « یک تغییر داخلی سریع، اساسی و خشونت آمیز در ارزش ها و باورهای مسلط یک جامعه، در نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری و فعالیت و سیاستهای دولتی» بر می شمردند. (نک هانتینگتون، ۱۹۷۷)

نسل سوم با استفاده از رهیافتی ساختاری، انقلابهای اجتماعی را مورد بررسی قرار داده و ویژگی های انقلابی ارائه شده، از سوی نسل های پیشین را ترکیب می کند. تد اسکاچپول انقلاب اجتماعی را به عنوان «تغییرات اساسی سریع ساختارهای دولتی و طبقاتی یک جامعه» می داند، که تا حدودی با شورش های طبقاتی از پایین همراه بوده، و به واسطه وجود ترکیبی از تغییر ساختار اجتماعی با شورش طبقاتی، و تغییر سیاسی و اجتماعی از دیگر انواع درگیری ها و فرآیندهای تغییری مجزا می شود. ایده های نسل سوم در سر تا سر دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به عنوان معیارهای اساس انقلاب در نظر گرفته می شدند.

با این حال، در اواخر قرن ۲۰، با وقوع تحولات جدید در جهان که دیگر با تعاریف ساختاری از انقلاب همخوانی نداشتند، رهیافت ساختاری به چالش کشیده شد. ظهور کشورهای ورشکسته در آفریقا، انتقال از دوره پسا کمونیستی، جنگ چریکی در آمریکای لاتین و اشاعه جنبش های اسلامی در جهان زمینه را برای نسل چهارم آماده ساخت. این نسل آخر از تئوری انقلاب به تفسیر مسائلی نظیر ایدئولوژی های انقلابی، اصول قومی و مذهبی برای بسیج انقلابی، مناقشات میان نخبگان و احتمال ائتلافهای چند طبقه ای می پردازد. (گلدستون ۲۰۰۱) این دیدگاه، انقلاب را به عنوان «سرنگونی اجباری یک دولت، پس از آن، تجدید نظر در اقتدار دولتی توسط گروه های جدید حکومت از طریق نهادهای سیاسی (و برخی مواقع نهادهای اجتماعی) جدید...» می داند و اینکه «هرچند سقوط یک دولت ممکن است ناگهانی باشد، ولی روندهای علی چنین سقوطی، تلاش برای کسب قدرت در میان مبارزان و بازسازی یک دولت باثبات اغلب دهه ها زمان می برد.»

انقلاب از لحاظ لغوی عبارت از برگشتن، برگشتن از حالی به حال دیگر، دگرگون شدن، آشوب و شورش است. (زنجانی، ۱۳۷۳: ۲۱۰) انقلاب در فرهنگ سیاسی به معنای: "تغییر ناگهانی است که در هر نظم اجتماعی، نهادی و سیاسی مستقر، تحت تأثیر نیروهای معمولاً متشکل و برتر از نیروهای حافظ نظم موجود و نه در جهت جابه جایی افراد، بلکه با هدف ایجاد یک نظم جدید به وقوع می پیوندد. (آقا بخشی، افشاری راد، ۱۳۸۳: ۵۸۹)

در تعریفی دیگر آمده: "انقلاب به فرآیندی گفته می شود که، طی آن قدرت با خشونت از یک گروه به گروه دیگر منتقل می شود. و قدرت به طور حتمی و کامل و نه ناقص تغییر جایگاه پیدا می کند. تغییر ساختار سیاسی، نهادهای جدید، تغییر پایگاه اجتماعی و سیاسی و اقتصادی حاکمان جدید از جمله ویژگی های انقلاب های کلاسیک محسوب می شود." (نائینی، ۱۳۸۸ الف: ۷۹)

۱-۱-۱. ویژگی های انقلاب

باتوجه به تعاریف مختلفی که از انقلاب وجود دارد، عموماً صاحب نظران هفت ویژگی را خصیصه مشترک انقلابها می دانند که عبارتست از:

۱. نارضایتی عمیق از شرایط موجود ۲- نقش رهبری و ساختارها در برانگیختن و بسیج عمومی ۳- گسترش ایدئولوژی(های) جدید جایگزین ۴- نقش توده ها ۵- گسترش روحیه انقلابی ۶- وجود عنصر خشونت به وسیله ی طرفین ۷- تغییرات ساختاری سیاسی، اقتصادی و فرهنگی (که بر مبنای نوع انقلاب یعنی انقلاب سیاسی یا انقلاب اجتماعی متفاوت خواهد بود. (ملکوتیان، ۱۳۸۱: ۲۵۸-۲۴۸)

به عقیده لئون تروتسکی، بارزترین خصوصیت هر انقلاب، مداخله ی مستقیم و قهر آمیز توده ها در حوادث تاریخی است. اما انقلابهای نرم حرکتی طراحی شده از بالا به پایین است که توسط نخبگان و معارضین نظام سیاسی موجود، و از طریق حمایتهای قدرتهای مخالف و معارض خارجی انجام می شود. این نوع برنامه ریزی برای تغییر ساختارهای سیاسی، تحقق اهدافی مشخص که اغلب کسب قدرت سیاسی است توسط احزاب و گروه های سیاسی طراحی می شود. این گروهها با طرح سئولات و شبهات در افکار عمومی به بسیج توده ها دست زده آنها را از طریق ابزارهای رسانه ای برای برپایی حرکتی اعتراضی به خیابانها کشانند. بنابراین، این پدیده را نمی توان روشی مبتنی بر حرکت طبیعی مردمی برای تغییر ساختارهای سیاسی به شمار آورد. (نائینی، پیشین: ۷۹)

از بین خصوصیات هفت گانه ذکر شده برای انقلابها مهمترین مؤلفه آن را می توان در تغییرات اساسی و ریشه ای در تمام ارکان جامعه دانست. انقلاب مفهومی است که به ساقط کردن یک نظام سیاسی- اجتماعی از

طریق مداخله ی مستقیم و قهرآمیز توده ها، و جانشین نمودن یک نظام سیاسی - اجتماعی دیگر اطلاق می شود. از مفهوم انقلاب برای توصیف دگرگونیهای خشونت آمیز ناگهانی و طولانی مدت در ترکیب نخبگان سیاسی و دگرگونی ارزش ها، هنجارها، ساختارها، نقش ها و محیط جامعه استفاده می شود. از این رو انقلابها معمولاً ویژگیهایی نظیر توده ای بودن، خشونت آمیز بون، بهره گیری از ایدئولوژی انقلابی، حضور رهبر مقتدر و سازماندهی منظم دارند و در شرایطی رخ می دهند که قدرت حکومت از هم گسیخته باشد و یک گروه تحت سلطه موفق به ایجاد و تداوم جنبش توده ای گردد. همچنین اگر مشروعیت را حمایتی تلقی نماییم که از سوی مردم جامعه نسبت به نظام سیاسی و نقش های آن نظام ابراز می شود، باید تصریح کرد که در جریان انقلاب، این مشروعیت از بین می رود و حمایت مردم از نظام سیاسی سلب می گردد. (بهمن، پیشین: ۳۶)

۲-۱-۱. تطبیق ویژگی های انقلاب های نرم و انقلاب های کلاسیک

با نگاهی اولیه به ویژگی های انقلاب نرم و انقلاب کلاسیک می توان تفاوتهای مشهودی را در این دو تحول یافت. در یک دید تطبیقی موارد اختلافی را چنین می توان نام برد:

الف- هر چند نارضایتی عمومی به عنوان یکی از شرایط زمینه ساز وقوع انقلاب نرم، در این حرکتها به چشم می خورد، اما این نارضایتی از نظر عمق، شدت و گستره جمعیتی و جغرافیایی هم سطح انقلاب های واقعی نبود. بررسی این تحولات حاکی از آن است که پیش از وقوع انقلابهای نرم، نشانی از عمق و انباشت نارضایتی از سامانه موجود، تا حد ضرورت یافتن انقلاب که می توانست نمود تهدید عینی باشد، دیده نشده است. این در حالی است که وقوع انقلاب ها به صورت معمول ناشی از نارضایتی گسترده، شکل گیری گروه های عظیم ناراضی و تشکیل جریانها و دسته های فعال در یک دوره طولانی است. (پورسعید، ۱۳۸۷: ۱۰۲)

ب- نقش رهبری و ساختارها بسیار کم رنگ تر از انقلابهای واقعی بوده است. اساساً این رسانه ها و نهادهای غربی به ویژه آمریکایی بودند که به تحریک افراد به اعتراض و بسیج نمودن آنها می پرداختند. ایدئولوژی جدید جایگزین بیشتر در گروهی از روشنفکران گسترش یافته و این ایدئولوژی، لیبرالیسم غربی و اساساً وارداتی بود که از عمق فرهنگی و اصالت هم برخوردار نبود. به همین دلیل مدتی پس از پیروزی معترضان، مجدداً بی ثباتی و درگیری آغاز شد. به طور کلی در این تحولات، ارزش ها و هنجارهای حکومتی و نهادی پیشین هنوز وجود دارند و جز تغییراتی خاص در حوزه سیاست داخلی و نیز جهت گیری های کلان خارجی، تحول قابل توجهی در این کشورها مشاهده نمی شود.

ج- نقش توده ها در حد پایینی وجود داشت و تعداد شرکت کنندگان زیاد نبودند. در طرف مقابل توده هایی که در مقابل معترضین به صحنه آمده بودند، با تسلیم رهبرانشان صحنه را ترک کردند.

د- گسترش روحیه ی انقلابی وجود نداشت. با توجه به عدم این روحیه، جمعیت کم مخالفان و سایر شرایطی که در بالا آمده است، اگر حکومتها از نیروهای مسلح خود قاطعانه و کامل بهره گیری می نمودند، به احتمال خیلی زیاد بر اعتراضات چیره می شدند.

ه- پس از پیروزی، تنها مانند نوعی از اختلافات سیاسی؛ گروه حاکم و گرایش سیاست خارجی تغییر کرده، ولی نوع رژیم سیاسی و تغییرات ساختاری اقتصادی و فرهنگی به گونه ای که در انقلابات واقعی اجتماعی هست صورت نگرفت. (ملکوتیان، پیشین: ۲۵۲۵۴)

و- حاکمان این کشورها به هیچ عنوان برای متوقف کردن تظاهرات عمومی از نیروی نظامی استفاده نکردند.

ط- رهبران برکنار شده همچنان به حیات سیاسی خود ادامه داده و شاید در صورت تغییر شرایط مجدداً به قدرت بازگردند. به این معنا که از تسویه حسابهای سیاسی انقلابی و خونین که لازمه انقلابهای بزرگ می باشد، کوچکترین خبری نیست. این در حالی است که عمده ترین تفاوت انقلاب های متعارف از انقلاب های نرم آنست که در اولی انقلابیون برای پیش برد اهداف انقلاب، اگر ضرورت ایجاب کند، از کاربرد خشونت علیه حاکمان و حافظان موجود دریغ نمی ورزند. اما درانقلاب های نرم، انقلابیون خشونت را تقدیس نمی کنند و حتی الامکان به روش های مسالمت آمیز تأسی می جویند. به عبارتی خشونت در حد بسیار پایینی توسط طرفین به کار گرفته شد و حرکت اساساً آرام و بدون خشونت بود.

ظ- انقلاب در ادبیات سیاسی از نوعی تقدس برخوردار است. چرا که بار معنایی آن از نقص به کمال، از استبداد به مشروطه و از وابستگی به استقلال است. به همین دلیل انقلابی بودن برای جامعه افتخار و تعهد ایجاد می کند. این در حالیست که تحولات جمهوری های شوروی سابق تحت نام انقلاب های نرم نه تنها منشاء هیچ گونه تقدسی نگردیده، بلکه مستلزم آثار و عوارض خاصی که معادلات بین المللی را نیز تحت الشعاع قرار داده و یا الگویی از نوع یک انقلاب مستقل را ترجمان کند، نمی باشد. (ایزدی، پیشین: ۵: ۱۸۹)

در جمع بندی این بحث می توان چنین اظهار نمود، که انقلاب های نرم واجد هیچ یک از خصوصیات انقلاب های کلاسیک نیستند، زیرا هم در شیوه های پیشروی و صورت پذیرفتن تحولات، هم در شیوه های رهبری و عوامل پیش برنده ی تحولات و حامیان آنها و هم در نتایجی که در پی دارند، تفاوتهای اساسی با

انقلاب‌های کلاسیک دارند. در انقلاب‌های نرم گروه‌های انقلابی خواهان تغییرات وسیع و جابه‌جایی نخبگان طبقه حاکم بوده‌اند. نوع مبارزه آنها غیر خشونت‌آمیز و با بهره‌گیری از روش‌های اعتراضی متعادل و تدریجی در بستر جامعه مدرن با همراهی مردم و حمایت نیروهای خارجی به صورت مرحله به مرحله بوده است. ارکان تشکیل‌دهنده‌ی چنین انقلابی جنبش‌های اجتماعی، سازمان‌های غیردولتی، رسانه‌ها و مخالفین تشکیل می‌دهند. (شبان فاریابی، ۱۳۸۷: ۱۳۷)

وجه مشخصه انقلاب‌های اجتماعی این است که در این نوع انقلاب‌ها، تغییرات بنیادین و ساختارهای اجتماعی و سیاسی به گونه‌ای هم‌زمان و به شیوه‌ای متقابل و دو سویه شکل می‌گیرند. در انقلاب‌های سیاسی نیز فقط ساختارهای دولتی متحول می‌شوند و ساختارهای اجتماعی دست‌نخورده باقی می‌مانند. به همین سبب انقلاب‌های رنگی نه در زمره‌ی انقلاب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند و نه در زمره انقلاب‌های سیاسی جای دارند؛ زیرا این تحولات نه تغییرات بنیادین در ساختارهای اجتماعی به وجود می‌آورند و نه ساختارهای دولتی را متحول می‌سازند.

با توجه به این که هر حکومتی ساختار اجتماعی، فرهنگی، طبقاتی و ایدئولوژیکی خاصی دارد، در می‌یابیم که انقلابیون تلاش خود را جهت دگرگون ساختن ساختار اجتماعی، تحول نهادها و تغییر نخبگان موجود به کار خواهند گرفت. از این رو حتی اگر انقلاب تمام ارزش‌های یک جامعه را نیز تغییر ندهند، باز هم شرکت‌کنندگان در انقلاب احساس می‌کنند که نظم کهن برای همیشه از صحنه‌ی تاریخ رخت برخواهد بست. در حالی که در انقلاب‌های نرم و حتی سردمداران انقلاب نیز چنین تصویری از حرکت معترضانه خود ندارند. (بهمن، پیشین، ۳۷)

۱-۲. انقلاب نرم به مثابه انقلاب غیر خشونت‌بار

جین شارب از معروفترین نظریه پردازان مبارزات عاری از خشونت می‌باشد. وی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با تقسیم بندی گونه‌های عدم خشونت به نه قسم، از آنها اینگونه نام می‌برد: "عدم مقاومت، سازش منفعلانه، مقاومت اخلاقی، عدم مقاومت گزینشی، مقاومت منفعلانه، مقاومت مسالمت‌آمیز، اقدام مستقیم غیر خشونت‌بار، ساتیاگراها و انقلاب غیر خشونت‌بار." وی در توضیح انقلاب غیر خشونت‌بار چنین می‌نویسد:

"انقلابیون غیر خشونت‌گرا معتقدند که معطلات اجتماعی مهم جهان امروز خاستگاه‌های خود را در ریشه‌های حیات فردی و اجتماعی دارند و بنابراین تنها از طریق یک تغییر اساسی یا انقلاب در افراد و جامعه می‌توان آنها را حل کرد.

معتقدان به این رویکرد به چهار جنبه برنامه انقلابی غیر خشونت بار اذعان کرده اند: (۱) روی آوردن افراد به بهبود زندگی خودشان، (۲) جلب مقبولیت ارزشهایی از قبیل عدم خشونت، برابری، همکاری، عدالت و آزادی به عنوان ارزش هایی تعیین کننده برای جامعه در کل (۳) ایجاد یک نظم اجتماعی مساوات گرا، متمرکز تر و آزادی باورانه تر (۴) مبارزه با آنچه مقاومت و اقدام مستقیم غیر خشونت بار شرهای اجتماعی قلمداد می کند. یکی از اهداف عمده انقلاب غیر خشونت بار این است که، روابط غیر خشونت بار، همکاری جویانه و مساوات گرایانه را جایگزین جنبه هایی از خشونت از قبیل استعمار، سرکوب و جنگ سازد. انقلاب غیر خشونت بار عمدتاً یا کلاً بدون استفاده از تشکیلات دولتی اصل نمی گردد. (البته این ادعا را دیگران دارند) برخی از طرفداران این رویکرد، تأکید کم و بیش بیشتری بر ایجاد تغییرات در سیاستها، نهادها، مالکیت، روابط قدرت و غیره می نهند. ولی برخی دیگر نیز، تأکید نسبتاً بیشتری بر دست یابی به تغییرات در ارزشها به عنوان پیش زمینه این گونه تغییرات اجتماعی می گذارند. رویکرد انقلاب غیر خشونت بار از حوالی سال ۱۹۴۵ در بخشهای گوناگون جهان مطرح شده است و ریشه های گوناگونی دارد. بدین سان، از دو نوع انقلاب غیر خشونت بار می توان نام برد: (۱) انقلابهایی که در آنها عوامل ایدئولوژیکی مسلط اند. (۲) انقلابهایی که در آنها عوامل ایدئولوژیکی تابع تلاشهای عملی برای یافتن راه حل های برخی از معضلات عظیم اجتماعی اند. اما عوامل ایدئولوژیکی و عملی هیچ گاه به طور کامل از یکدیگر جدا نیستند. از یکسو، ایدئولوژیهای دخیل راه حل هایی را برای معضلات اجتماعی پیشنهاد می کنند و از سوی دیگر تلاش برای یافتن و اجرای چنین معضلاتی گرد هم آورده است، این تعامل به تلفیق این رویکردها کمک کرده است.

ماهیت ناقص ایدئولوژی و برنامه غیر خشونت بار، از جمله عواملی است که مانع از اشاعه ی این نوع از عدم خشونت عام، به ویژه غرب شده است، ولی رئوس کلی رویکرد آن، به قدری واضح است که پذیرش آن در این گونه شناسی در اوایل سیر تطور آن را توجیه کند و نشان دهد که چه بسا ممکن است در آینده اهمیت بیشتری می یابد. (شارپ، ۱۳۸۹: ۲۶۳-۲۶۴)

(۲۶۱)

جهت فهم بیشتر در باب مبارزه عاری از خشونت لازم است تا به ارائه تعاریف و ویژگی های این پدیده بپردازیم. در تعریفی از اقدام بدون خشونت، از دیدگاه علمی اجتماعی که توسط جین شارپ ارائه شده اینگونه آمده است: "اقدام بدون خشونت؛ روشی است برای اعتراض، مقاومت و مداخله بدون استفاده از خشونت فیزیکی و از طریق الف) ترک مسئولیت؛ که در آن شرکت کنندگان از مسئولیتهایی سرباز می زنند که، معمولاً انجام می دادند و یا توسط قانون و مقررات موظف به آنها هستند. ب) سوء مسئولیت؛ که در آن شرکت کنندگان کارهایی را انجام می دهند که معمولاً انجام نمی دادند و عرفاً انتظار نمی رود انجام دهند و یا انجام دادن آن منع قانونی دارد. ج) ترکیبی از هر دو روش (شارپ، ۱۳۸۶: ۳۶-۳۵)

این تعریف، بر چندین ویژگی تجربی مهم تأکید دارد: اول اینکه شرکت کنندگان را به عنوان جنبه ای از اقدام، معرفی می کند که معمولاً اقدامی دسته جمعی در درگیریهای سیاسی و اقتصادی است. این اقدامات به عنوان رفتار جدل برانگیز، توسط شرکت کنندگان انجام می گیرد، تا آنها بر جریان و حاصل درگیری تأثیر گذار

باشند. پس اقدام بدون خشونت، نه روشی انفعالی و نه بخشی از سیاست نهادینه سازی و نه شامل خشونت می شود. در واقع، شارپ می خواهد بگوید که اقدام بدون خشونت، جایگزینی برای هر یک از اینهاست. دوم اینکه اقدام بدون خشونت به عنوان وسیله ای برای اعتراض، مقاومت و مداخله با فن مدیریت درگیری و حل درگیری تفاوت دارد و شامل متقاعد سازی، وساطت شخصی ثالث، تلاش برای مصالحه و میانجگری می شود.

سوم اینکه اقدام بدون خشونت، به عنوان ابزاری برای نهادینه سازی و حل و فصل اختلافات، در هر نظام اجتماعی یا سیاسی مشخص عمل می کند. البته، نقاط اشتراک مهمی میان مراتب نهادینه سازی و اقدام بدون خشونت هست. روشهای قانونی و سیستمی، از جمله ابزاری است که ممکن است به منظور هدایت، مدیریت، کنترل و قانونمند کردن اقدام بدون خشونت از آنها استفاده شود. این مطلب خود روشنگر آن است که، اقدام بدون خشونت، مستقل از آن روشها عمل می کند. اقدام بدون خشونت، در عمل به شکل روش هایی مشخص نمایان می شود که مشکل از الگوهای رفتاری گسسته و تکرار شونده هستند. در مجموع این روشها می تواند به عنوان اعتراض و متقاعد سازی، عدم همکاری یا وساطت بدون خشونت تحلیل شوند. (قادری کنگاوری، محبوبی، ۱۳۸۷: ۱۴۳)

تاریخ و به طور خاص تاریخ معاصر برای موفقیت مبارزات بدون خشونت سه عنصر اساسی را می آموزد. (آکرمن، رودال، ۱۳۸۹: ۲۳۲-۲۳۴)

اول. یک حرکت باید دارای عقبه متحد راهبرانی باشد که نماینده سراسر کشور هستند، و نه فقط نماینده احزاب خاص و طبقه خاص. مبارزه توأم با همبستگی، جهت رسیدن به آزادی به افزایش حرکت توده ای برای تغییر حکومت نیاز دارد.

دوم. مقاومت مدنی موفقیت آمیز نتیجه برنامه ریزی سیستمی است و توانایی جذب و جوشش مشارکت مردم، با پیش زمینه حکمی متفاوت، از طریق درگیر کردن تعدادی از عناصر جامعه مدنی ایجاد می کند: پیر و جوان، مرد و زن، فقر و غنی. توانایی و مشروعیت با عدد نمایندگی همراه است.

سوم حرکت باید به قوانین بدون خشونت وفادار باشد. برای اینکه خشونت با خودش هزینه های جدی به بار می آورد. با فوران خشونت در بخشی از مقاومت مشارکت به باد می رود.

۱-۲-۱. اصول و فلسفه عمل خشونت و عدم خشونت

خشونت محکوم است، زیرا درد و رنج غیر ضروری و دوری از صفات انسانی و وحشیگری را برای قربانی و جلا،